

الف

کلمات مشترک زبان فارسی و فرانسه

ادکلن (eau de cologne)
اشل (échelle)
به معنی نردبان
اکران (écran)

اکیپ (équipe)

املت (omelette)
اُورت (ouvert) به معنی باز (open).
اورژانس (urgence)

اوربون (oreillons) بیماری اوربون یا گوشک که از oreille که به معنی گوش است آمده است.
ایده (idée)

آبازور (abat-jour)
آبسه (abcès) به معنی چرک و ورم چرکی
اژان (agent)

اژانس (agence)
آسانسور (ascenseur)

آلرژی (allergie)

آمپول (ampoule)

آناناس (ananas)

آنکادر کردن (encadrer)

آوانتاژ (avantage) به معنی فایده و منفعت است.
آوانس (avance)

ب

باکتری (bactérie)

بالکن (balcon)

بانداز (bandage)

بلیط (billet) که در زبان فرانسه "بیه" تلفظ می‌شود

برس (brosse)

بروشور (brochure)

بلوز (blouse)

بن ساله (bon salé) به معنی خوش نمک

بوروکراسی (bureaucratie) که از ریشه bureau به معنی میز و دفتر کار ایجاد شده است.

بوفه (buffet)

بولتن (bulletin)

بیسکویت (biscuit) به معنی دوبار پخته شده bis به معنی دوباره و cuit به معنی پخته شده است!

بیگودی (bigoudis)

پ

پاپیون (papillon) به معنی پروانه

پاتیناژ (patinage)

پاساژ (passage)

پاندول (pendule)

پانسمان (pansement)

پاویون (pavillon)

پروژه (projet)

پروسه (process)
پلاک (plaque)
پلاکارد (placard) به معنی پوستر و نیز به معنی کابینت است **plat** به معنی بشقاب یا ظرف مسطح است.
پماد (pommade)
پنس (pinces)
پورتفوی (portefeuille) به معنی کیف اسناد و کیف پول است.
پونز (punaise)
پوئن (point) به معنای امتیاز
پیژامه (pyjama)
پیست (piste)

ت

تابلو (tableau)
تن (ماهی) (thon)
توالت (toilette)
تومور (tumeur)
تیره یا خط تیره (tiret)
تیراژ (tirage)

د

دز (dose)
دوش (douche) فعل **se doucher** به معنای دوش گرفتن است
دیسک (disque)
دیسکت (disquette)

ر

رادیاتور (radiateur)
رژیم (régime)
رفراندوم (référendum)
رفوزه (refusé)
روبان (ruban)
روب‌دشامبر (robe de chambre) به معنی لباس خانه.

ژ

ژامبون (jambon) از واژه **jambe** به معنی ساق پا گرفته شده است.
ژانر (genre)
ژست (geste)
ژله (gelée)
ژوپ (jupe) به معنی دامن و **minijupe** به معنی دامن کوتاه است.
ژورنال (journal) به معنی روزنامه. **jour** به معنی روز است.
ژپله (gilet)

س

ساتن (satin)
سالن (salon)
سس (sauce)
سنکوپ (Syncope)

سوتین (soutien gorge)
سوژه (sujet)

ش

شاپو (chapeau)
شارلاتان (charlatan)
شاسی (châssis)
شال (châle)
شانس (chance)
شانناژ (chantage) ریشه آن فعل chanter به معنی آواز خواندن است
شوالیه (chevalier) به معنی اسب سوار و Cheval به معنی اسب است
شوسه (chaussée) به معنی جاده و سواره رو است و chaussure به معنی کفش است.
شوفاز (chauffage)
شوفر (Chauffeur)
شومینه (cheminée)

ص

صابون (savon)
صندل (sandale)

ط

طلق (talc)

ف

فابریک (fabrique) به معنی کارخانه
فلش (flèche)
فویل (feuille) به معنی ورقه یا برگه.

ک

کاپوت (capot)
کارتابل (cartable) به معنی کیف مدرسه
کاسکت (Casquette)
کافه (café)
کافه گلاسه (glacé café)
کامیون (camion)
کامیونت (camionnette)
کاناپه (canapé)
کتلت (côtelette) از واژه côte به معنی دنده بوجود آمده است.
کراوات (cravate)
کرست (corset)
کریدور (corridor)
کلیه (Collier) به معنی گردن بند و cou به معنی گردن است.
کمدی (comédie)
کنسانتره (concentré)
کنسرو (conserven)
کنسرواتور (conservateur) به معنی نگهبان و محافظ است

کنکور (concours)
کودتا (d'État Coup)
کوران (courant) به معنی جریان بیشتر برای جریان هوا به کار می‌رود.
کورس (course)
کوسن (coussin) به معنی نازبالش

گ

گاراژ (garage) از فعل garer به معنی نگهداشتن یا پارک کردن گرفته شده است
گارسون (garçon)
گیشه (guichet)

ل

لژ (loge)
لوستر (lustre)
لیسانس (licence)

م

مامان
مانتو (manteau)
مانکن (mannequin)
مایو (maillot)
مبل (meuble)
مرسی (merci)
مزون (maison) به معنی خانه است
مغازه (magasin) خود در اصل از عربی مخزن.
موزه (musée)
موکت (moquette)
میزانسن (scene en mise)
میلیارد (milliard)

ن

نایلون (nylon)

و

وانیل (vanille)
ویتامین (vitamine)
ویتترین (vitrine)
ویراژ (virage)
ویلا (villa)